

چه کسانی از اتحاد تشکلهای کارگری در ایران به وحشت افتاده اند؟

تجربه چند سال گذشته مبارزات کارگران ایران نشان داده است که حرکتهای جدا از هم و در بسیاری از موارد مشابه بهم نهادهای مستقل کارگری مانند اضافه دستمزد، دستمزد عقب افتاده، قانون کار، مبارزه با نهادهای امنیتی - حراستی دست ساز دولت مانند خانه کارگر و شورای اسلامی کار، ایمنی کار، دفاع از فعالین اخراجی سندیکای یا کارگران اخراج شده، برابری زنان و مردان در استخدام و حقوق، کار کودکان و تبعیض در محیط کار برای استخدام، نیروی بسیاری از نهادهای کارگری داخل کشور گرفته است. این تلاشها که از لحاظ چهارچوبی شاید به آن تغییرات یا رفرم در شرایط گفته شود اما در واقعیت از نگاه حکومتیان این فعالیتها برانداز تلقی میشود،¹ و بر همین اساس است که همیشه سعی کرده اند با آوردن افرادی با پیشینه باصطلاح چپ در مقابل تغییر اساسی بایستند. اما این رفرم در اساس بسیار متفاوت است با نگاه بخشی از جنبش کارگری که رفرم را به مامشات یکی دانسته و خواهان گرفتن بخشی از خان نعمت در چهارچوب وضعیت موجود است و همین نگاه در دهه گذشته جنبش کارگری را به دو بخش تقسیم کرده است چرا که نیروهای مستقل بهیچ وجه خواهان ماندن در شرایط موجود نیستند و فراتر رفتن از وضعیت موجود را در نظر دارند، مدافعین مامشات حتی در زمان انتخاباتها فعال می شوند، در صورتی که مخالفین مامشات علیه آن می ایستند.² که نمونه هایی که می توان دید درگیریهای بین حسین اکبری³ و فعالین سندیکای فلزکار⁴ از یک طرف و جمع آوری

1

بحث بر سر رفرم یا تغییرات بنیادی در جنبش سیاسی ما بسیار لوث شده است و تفاوت ماندن و کار کردن در شرایط موجود را درک نمیکنند. اگر در دهه پنجاه نیروهای اجتماعی در مقابل رخوت درون جامعه به عمل مسلحانه دست میزدند شرایط زمانی جامعه این شیوه مبارزه را می طلبید. اما امروز اکثر روشندگان نیروی کار، خود این معضل را درک ولی پیچیدگی حاکمیت کنونی را به آسانی درک نمی کند زیرا نظام طی سی و شش سال گذشته با تعلیم و تربیت جامعه در جهت سیاست ها و منافع خودش فعالیت نموده است و کارگران مشکل را از نبود یک برنامه درست برای پیدا کردن برابری میدانند و اتفاقا نیروهای امنیتی در پوشش راندیکال سعی در خراب کردن همین عمل درست نیروهای مستقل مترقی دارند. بر همین اساس است که فعالین اجتماعی مخالف رفتن به خارج و افتادن در بحثهای حاشیه ای هستند

2

<http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayid=20932>

3

<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayid=63377>

امضا⁵ برای افزایش دستمزد از طرف اتحادیه آزاد کارگری است. دو نگرش سندیکای فلزکار و اتحادیه آزاد در این زمینه به هم نزدیک میشوند و برای همین است که ما می بینیم در ده سال گذشته فعالین کارگری از کجا به کجا رسیده اند. افرادی مانند کاظم فرج الهی با آن پرونده درخشان در کنار اکبری⁶ قرار می گیرند. افراد اتحادیه با شعارها و مصاحبه هایشان که گاه نشان از درک پیشرو را به نمایش می گذارد در کنار فعالیت فلزکار مکانیک قرار میگیرند. بعضی فعالین هم بودند که در ابتدا موافق کمیته پیگیری بودند⁷ ولی بعد از چند وقت نظراتشان عوض شد و شعار اشغال هفت تپه و بسیار نظرات آنارشیستی را مطرح می کردند و با اولین فشار خود راهی خارج از کشور شدند. در نهایت کمیته هماهنگی و کانون در کنار هم قرار می گیرند و برخی نیروهای دیگر در بینابین و برای خودشان. با نگاهی بسیار کوتاه به این ده سال گذشته و کنار رفتن پرده از روی دیدگاهها و حاملین نظرات می شود دید که این نهادها در کجا ایستاده اند. باید فهمید که گرایش ساختن نهاد در محیط کار اگر در جهت منافع سیاسی حکومت نباشد کاری است بسیار دشوار. اینکه فعالین بتوانند از طریق شورا کار خود را پیش ببرند بیشتر فعالیتهای محدود و غیر کار آمد است و شرایط تشکیل شورا شرایطی دیگر است و نباید به آن از جنبه عمومی نگاه کرد. چرا که فعالین ایران خودرو با مخفی کاری بسیار حتی نمی توانند در همان شورای اسلامی کار کنند و هستند کسانی که از آنها بیکار و یا در زندان هستند. وضعیت سندیکای هفت تپه بسیار ناراحت کننده است چرا که فعالین آن با دادن تعهد به سر کار بازگشتند و

4

<http://felezkar.com/1393/08/>

5

<http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=3980>

6

<http://kargareirani.blogspot.com/1388/02/05/post-26/>

و این به معنای تأیید [...] وزارت کار نیست؛ یعنی از اینجا ناشی نمی‌شود که به توهمی واقعاً حالا وجود دارد و ما منتظر بشیم که وزارت کار به ما

سندیکای واحد امروز در دست بازنشستگان و چند کارگر سندیکا افتاده است و فعالین واقعی با ادامه کار سندیکا بسیار مشکل دارند چرا که کسانی که به دیدگاه هیئت موسس نزدیک هستند سکانشان این نهاد شده اند.

با اشاره به موضوعات بالا می توان نتیجه گرفت که تجربه چند سال گذشته به فعالین کارگری آموخته که چگونه می توان در حد یک توافق و تفاهم سراسری بر روی موضوعات مشترک بصورت ائتلافی همکاری کرد. چرا که این ائتلاف سراسری در صورت لزوم می تواند بسیاری از مشکلات کارگران در صورت اعتراض کارگری را برآورده کند. بطور مثال اگر اعتراضی در معدنی در جنوب کشور صورت گیرد فعالین دیگر شهرها به نیازهای کارگران اعتراضی پاسخ میدهند. این کمکها از پخش اخبار تا درست کردن پلاکارد و کمک برای زندگی خانواده های کارگری را می تواند در دستور کار قرار دهد و کارگران اعتراضی می دانند که یک نیروی ائتلافی علنی که افراد شناخته شده در آن فعالیت دارند این کارها را انجام می دهند. این ائتلاف می تواند با برگزاری سمینارهای مشخص چه در رابطه با روز زن، اول ماه می، سالگرد کشتار کارگران شهر بایک تا هفته دستگیری کارگران سفز و کارگران پارک لاله در اول ماه می 88 باشد. فعالین شناخته شده کارگری در چند سال گذشته توانسته شبکه منظمی از فعالین کارگری درست کنند. این شبکه و ائتلاف نه نیاز به عملکرد حزبی دارد و نه نیاز کمک خیریه مالی فعالین خارج کشور دارد.

پس در این دوره بنا به ضرورت مبارزه فعالین جنبش کارگری ایران با ابداع نوع جدیدی از حرکت خواهان شکل گیری نوع دیگری از تشکل هستند و نقش فعال پیشرو نیز همین است که بر اساس شرایط مشخص تحلیل مشخص دهد و برنامه عمل جدیدی بریزد. زیرا شرایط موجود ابزار جدیدی می خواهد. ابزاری که ما به آن احتیاج داریم و در دل وضع موجود است، همانا شناخت شرایط و مبارزه برای بهتر شدن وضعیت طبقه کارگر باشد و همینطور بتواند در مقابل سرکوب بایستد و روحیه مبارزه جویی را بالا ببرد و بر علیه یاس و سرخوردگی باشد و تنها راه مبارزه را در فضای مجازی نجوید⁸. اتفاقا از همین نگاه غیر متمرکز است که فعالین کارگری در پی آن هستند و امکان آنرا دارند و می توانند جنبش

یکی از مشکلات ایندوره فعالینهای مجازی شده است که به یک از خود بزرگ بینی بی مورد تبدیل شده و در عین حال روحیه از خود بیگانگی را رشد میدهد و تنها به لایک زدن در فیسبوک تمام میشود. در صورتیکه که جنبش کارگری و رهایی یعنی در جمع بودن و مشترک فعالیت کردن و در اشتراکات خود را رشد دادن است. متأسفانه فضای دروغین بهار عربی تاثیر منفی خود را بر جنبش سوسیالیستی گذاشت و فعالین اجتماعی به انقلابات درون کامپیوتری روی آورده اند.

کارگری را دور نیاز اساسی طبقه کارگر جمع کنند. و همین عملکرد غیر متمرکز که توان ضربه زدن از طرف نیروهای امنیتی را کم می کند. شاید نیروهای امنیتی همیشه دنبال دستاویزی می گردند که فعالین را از طریق آن دستگیر و یا بیکار کنند. اتفاقاً این ائتلاف اگر بتواند درست عمل کند راههای چگونگی کنترل کارگری در محیط کار را بوجود می آورد. کم نیستند متخصصینی که امروز وارد بازار کار می شوند و بخشی از طبقه کارگر هستند. این متخصصین پایه اولیه گرفتن کنترل کارگری هستند.

این ائتلاف جدید اگر کمکی از خارج داشته باشد همانا تئوریزه کردن و نوشتن و انتقال مبارزه و کمک برای کم کردن سرکوب در داخل است.

آن چه مسلم و واضح است حکومت سرمایه داری از اتحاد تشکلهای کارگری و مبارزه کارگران بشدت در هراس است و به همین دلیل با اجیر کردن عده ای از نیروهای خود سخت در تلاش برای بی ثمر نشان دادن و دروغین بودن جنبش و اعتراضات کارگری دارد تا این روزنه های امید که روز به روز گسترده تر می شود را پوشالی نشان داده تا بار دیگر به سیاست از درون به نام نیروها و فعالین کارگری با اسمهای مستعار دست به تخریب و کارشکنی در امر مبارزه کارگران زند.

وضعیت کنونی جامعه ایران بخصوص کارگران و مزد بگیران بشدت هولناک و فجیع است تا جایی که کمتر کارگری را می توان پیدا کرد که چند شغل نداشته باشد. حتی روزهای تعطیل هم باید کار کرد تا بتوان بخشی از مخارج زندگی را بدست آورد. خصوصی سازیهای بی رویه، هزینه بسیاری از نیازهایی مانند آموزش و پرورش، بهداشت، شهری و غیره را بر گردن کارگران انداخته است. شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه ایران منجر به پدید آمدن شرایط بسیار سختی برای کارگران شده است تعطیلی هر روزه کارخانه ها و بیکار شدن خیل انبوه کارگران و افزایش روزافزون ارتش بیکاران، حقوق های معوقه طولانی مدت کارگران به بهانه ورشکستگی و بدهی، خودمانی سازی و حراج دارایی مردم و هزاران مشکل دیگر که عرصه را بر زندگی مردم تنگ کرده است و از طرفی شرایط حاکم بر منطقه گفتنمان دیگری را با فعالین جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی می طلبد. منطقه خاورمیانه تبدیل به انبار مهمات کشورهای غربی و حکومت های استبدادی شده است و ایران همانند کبریتی عمل می کند که اگر روشن شود خاموشی آن برای همه غیر ممکن است و کنترل آن در دست ارتجاع و امپریالیست نخواهد بود. بر همین اساس اکنون سیاست حاکمیت در راستای-همکاری منافع امپریالیزم به گونه ای تعریف شده است تا با سر نیزه از هر نوع همکاری، همیاری، تشکل و سازماندهی جلوگیری کند تا سناریوی دیگری را برای مقابله با اتحاد و همبستگی تشکل های کارگری به اجرا درآورد. چرا چون حاکمیت بخوبی از وضعیت بحرانی و آتش زیرخاکستر جنبش کارگری باخبر است و به همین دلیل به عناوین مختلف سعی در تعطیلی کارخانه ها دارد تا از اتحاد کارگران و انسجام آنان بر خواسته هایشان جلوگیری کند.

هر کسی مطالعه یا ارتباط اندکی با جنبش کارگری ایران داشته باشد بخوبی می داند که این جنبش همیشه وجود داشته و دارد اما مبارزه کارگران نیز مانند سایر جنبش ها افت و خیزهایی داشته است. کشتار کارگران مس خاتون آباد، اعتصاب رانندگان شرکت واحد، اعتصاب کارگران هفته تپه و اعتراض معلمان و در ماهها و روزهای اخیر نیز اعتصابات متعدد د رپنروشمی و معادن و غیره بیانگر این ادعاست و در شرایط کنونی نیز تشکیل تشکلهای کارگری توسط کارگران و با حمایت و کمک فعالین کارگری بشدت ضروری و لازم می باشد.

اگر چه روزگاری فعالین و پیشروان اجتماعی در گریز و فرار از بگیر و ببند و کشتار دهها هزار زندانی سیاسی از کشور خارج شدند و مردم نیز در داخل تا دو دهه با سرکوب افسار گریخته هیچگونه فضای مبارزاتی در داخل کشور نداشتند ولی ما در اواخر دهه هفتاد بعد از قتل های زنجیره ای و دادخواهی مردم در داخل این امکان را بدست آوردیم . برای شناخت از فعالین مدنی و نسل جوانی که شرایط انقلاب را ندیده و از لحاظ روانشناسی با یک نسل متفاوت روبرو بودیم.

رژیم بعد از پناهنده شدن دهها هزار فعال سیاسی به خارج از کشور در ابتدا نیروی خود را گذاشته بود که با ترور⁹ و وحشت بسیاری را منزوی کند. بعد از ترورهای وسیع نیز بشکل دیگری در پوشش فعالیتهای فرهنگی سعی کرد در نیروهای سیاسی رخنه کند و از طریق شناسایی افراد جریانات سیاسی به این گروهها ضربه بزند.¹⁰

عمق فعالیتهای امنیتی در آن دوره حتی تا به امروز تاثیرات خودش را گذاشته است.¹¹ فعالیتهای نیروهای امنیتی از نفوذ در اپوزیسیون برانداز حتی به نیروهای خودی هم کشیده شده که نمونه مدحی را میشود دید.¹² رژیم روزگاری با فرستادن نفوذی به خارج به سرکوب در داخل دست میزد و در تمام این

9

<http://www.komitedefa.org/sidor/sidan18.htm>

10

<http://pezhvakeiran.com/page1.php?id=26903>

11

<https://soundcloud.com/parvaneh-bakhshi-1/s2fdr1o5ysvx>

12

<http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/archive/2011/june/09/article/-dee07dfd62.html>

سالها با ساختن نهادهای مشکوک سیاسی در داخل نیز بسیاری از فعالین را به دام می انداخت. یک نوع فعالیت امنیتی جدید راه انداخت تا با انداختن نیروهای مشکوک سیاسی در تشکلات اجتماعی بسیاری را نا امید کند.¹³

البته طی سالهای اخیر نیز فضای مبارزات دانشگاهی دانشجویان برابری طلب از ضرب نیروهای امنیتی در امان نماند. آنهم در یک هماهنگی نانوخته مابین نیروهای امنیتی و فعالین جریانات تحت نام "سوسیالیستی" که بسیاری از دانشجویان باید در زمان بازجویی بر اساس اسنادی که بازجو از اینترنت در دست داشت جوابگویی فعالیت خود باشند و بدینوسیله عرصه را هر روز بیشتر بر فعالین تنگ کرده تا کشور را ترک کنند. اکنون نیز همین جریان تلاش میکند تا فعالان کارگری را که میخواهند شرایط موجود را به چالش بکشند با مشکلات امنیتی مواجه کند و با پخش نامه های سراسر کذب و اتهام، خوراک برای سرکوبی این حرکت جدید فراهم کند. زیرا که میداند با نزدیک شدن و هماهنگی بیشتر فعالان کارگری جایی برای توطئه های آنها باقی نمی ماند.

این که بحث شرایط مطرح است مسئله قابل انکاری نیست اما هیاهو راه انداختن که با کدام شرایط ادعای وجود و فعالیت تشکل های کارگری را دارید بیشتر دو هدف را دنبال می کند اول این که بی عملی خود را به بهانه شرایط توجیه کند و دوم برای کمک به حاکمیت تخم نا امیدی و تفرقه را رواج دهد تا چوب لای چرخ آسیاب جنبش گذاشته و به حکومت برای رسیدن به اهدافش کمک کنی.

اما در ارتباط با نقش انجمن های صنفی و اتحادیه های کارگری باید گفت اینها ضرورتی برای زمان حال است تا کارگران امکان بیابند در یک صف واحد برای اهداف صنفی شان مبارزه کنند ولی باید پرسید سازماندهی کارگران توسط تشکل هایشان چه تقابلی با جنبش کارگری دارد؟ این سوالی است که باید پرسید این که سرمایه داری و سازمانهای وابسته به آن علاقمند هستند که از دستیابی کارگران به اتحاد و یکپارچگی چه در داخل ایران و چه در سطح جهانی جلوگیری کنند کاملاً پذیرفته شده است اما باید دید راه کاری برای مبارزه با این سیاستها وجود دارد و به افشا و مبارزه با آن پرداخت نه این که با حمایت هر اتحادیه یا سندیکا از جنبش کارگری ایران و رهبران زندانی کارگران همه را به وابستگی و دشمنی با کارگران ایران متهم کرد. این شیوه نهادهای امنیتی است. در حال حاضر لازم است تمام دنیا اخبار فجایع حاکم بر زندگی و شغل و جامعه کارگری ایران را بداند و باید شرایط را بگونه ای برای دل گرمی و حمایت کارگران سراسر دنیا در حمایت از کارگران ایران مهیا کرد تا فشار بر کارگران زندانی کمی کاهش یابد. اتحادیه و سندیکا به هیچ وجه هدف جنبش کارگری ایران نیست بلکه وسیله ای برای

دستیابی هدف مهمترو دفاع از خواسته های صنفی کارگران و در نهایت تشکیل شوراهای و نهاد های طبقاتی کارگری است.

زمانی را بیاد بیاورید که سازمان جهانی کار شورای اسلامی کار و خانه کارگر را به عنوان نمایندگان کارگران ایران می شناخت در حالی که اکنون ورق برگشته وبا فعالیت فعالین کارگری و سندیکاهای کارگری معدود موجود این فرصت برای این نهادها تقریبا از دست رفته است و بسیاری از مصائب حاکم بر زندگی کارگران ایران آگاه هستند . البته ناگفته نماند که سازمان جهانی کار برای کارگران ایران دایه نیست اما دست یابی کارگران به حداقلها نیز می تواند کمکی باشد برای جنبش کارگری که در فضایی تقریبا آزاد به تشکیل اتحادیه های خود دست زنند .